



سالها تجربه در امر آموزش نشان  
 میدهد که تقریباً میتوان استعداد  
 همه کودکان را چنان پرورش داد  
 که خوب درس بخوانند . و  
 خیلی بندرت اتفاق می افتد که  
 کودکان ضعیفی که به مدرسه  
 میروند نتوانند مواد درسی را  
 خوب فرا گیرند .

# بازمانده‌ها را آموزش



اگر برای برخی از نوآموزان کلاس اول آموختن سخت است، اصلاً "بآن علت نیست که آنها بی-استعداد یا کودن هستند، بلکه اساساً علت دیگری دارد.

کودگانی هستند که تنها به این علت درس نمیخوانند که دوست ندارند فکر کنند. آنها از هر گونه کارهای تحصیلی که مستلزم تفکر است پرهیز میکنند، بویژه از کاری که باید فعالانه فکر کنند.

چرا اینطور است؟ برای اینکه این کودکان تا پیش از مدرسه رفتن اطلاعات و مهارت لازم را بدست نیاورده اند و نمیتوانند کار فکری یعنی کاری که بدون آن نمیتوان با موفقیت درس خواند، انجام دهند. علت ناموفق بودن آنها همین است.

چگونه میتوان از این گرفتاری رهایی پیدا کرد؟ در این موقعیت با زور و اجبار نمیتوان هیچ کاری از پیش برد. کودکی که نمیتواند فعالانه تفکر و اندیشه کند، روشن است که نمیتواند کاری انجام دهد. برای او چنین کاری شکل است یعنی نامطبوع است. و بنابراین او بهر حال از آن سرپیچی خواهد ورزید، منتظر آهسته گفتن خواهد بود سعی خواهد کرد جواب را حدس بزند یا از روی کسی بنویسد.

لازم میشود که آموزش را برای او از حالت کار سخت و نامطبوع به کاری مطبوع و جالب مبدل کرد.

در این جا بازی است که به کمک پدر و مادر می آید.

موضوع بهره برداری از شیرینی یا پول نیست.

کودک فقط از این لذت می برد که در بازی اولین نفر او بود که کارت را پر کرد و یا او بود که تسوپ را به سوراخ انداخت... کودکان اغلب اوقات پس از بازی آنچه که برده اند با رغبت پس می دهند، و دفعه بعد با این فیش ها بازی می کنند.

چون کودکان سرگرم بازی میشوند بهتر است تکالیف درسی را در آن وارد کرد مثلاً جمیع و تفریق و یا قرائت برخی از کلمات را داخل نمود. این شرایطی لازم دارد. بدین معنی که اگر کودک تکلیفش را درست انجام داده برنده میشود و اگر اشتباه کرد بازنده به حساب می آید.

برای بازیهای درسی می توان از لوتوهای مخصوص استفاده کرد.

ساختن این لوتوها خیلی آسان است. این وسیله آموزشی را هر دانش آموزی حتی نوآموز کلاس اول که بازی برای خوب درس خواندن او پیش بینی شده، به کمک پدر و مادر می تواند درست کند.

ورق سفید کاغذی با اندازه صفحه دفتر یا کمی کوچکتر را انتخاب کنید و شش خانه رسم کنید. این ورق یک کارت بزرگی خواهد بود. در خانه های به دست آمده کلماتی نوشته خواهد شد که کودک آنها را خواهد خواند. یا نمونه های حسابی که حل خواهد کرد، هریک از کلمات و یا هر یک از اعداد را توی یک خانه می نویسند. سپس کارت های کوچکی می برند، بدین ترتیب روی کارت بزرگ در یک خانه (۲+۳) نوشته شده و روی کارت کوچک - پاسخ آن ۵ نوشته میشود. در خانه بعد (۳-۶) و در کارت کوچک (۳) می نویسند.

پدر بزرگ از کیسه اولین کارت کوچک را بیرون می آورد .

— اولین کلمه ( پاشنه ) است . در خانه های کارت پیداکن — ( پاش — نه ) کجا نوشته شده است ؟

مصطفی به صدای بلند هاجها را می خواند .

— ( پا — یاب ) ( پا — یان ) . . . آ . . . این ، ( پاشنه ) است .

— کجاست ، نشان بده .

— این است . بابا بزرگ . نگاه کن ( پاش — نه )

درست است ، آفرین ! کارت کوچولو — را روی آن بگذار ، اینطور برگردان . خوب ، آنجا چه نوشته شده ؟

— این دم است ، پدر بزرگ ! — مصطفی می خندد — حالا اسب دم دارد ! حالا دنبالش را بخوان . . .

— ( پا — یان )

( پا — یان ) را پیداکن . . . بسین زود پیدا کردم ! ( پایان ) .

— آفرین ، — پدر بزرگ کارت کوچک را به نوه اش می دهد و می گوید سر جایش بگذار .

مصطفی به شکل کارت کوچک نگاه می کند .

— این که شکل پاشنه است . نگاه کن پدر بزرگ می بینی ، پای اسب است و اینهم سمش بلی !

مصطفی فوراً بدون اشتباه باز دو کلمه پیدا می کند که پدر بزرگ به او می گوید . حالا روی کارت فقط روی کلمات ( پاپوش ) و ( پایه ) باز است . مصطفی بجای اینکه آنها را بخواند چنانکه قبلاً انجام می داد ، ساکت به این دو کلمه نگاه می کند . پدر بزرگ او را تشجیع می کند و می گوید .

— خوب ، مصطفی ، زودتر — کلمه ( پاپوش )

وقتی کودک با کارت های کوچک روی کارت های لوتو را پر کرد ، یک کارت کامل بدست می آید و کودک خیلی خوشش می آید . ساختن آن آسان است ، اگر کارت های کوچک را از مقوا ببرند باید مواظب بود که کارت بزرگ و کارت های که از آن کارت های کوچک بریده میشود بیک اندازه باشند . بسینید که مصطفی هفت ساله با پدرش با این لوتو چنین بازی می کنند .

پدر بزرگ گفت —

— نگاه کن ، مصطفی ، به دقت بخوان ، سعی کن اشتباه نکنی والا کارتت جور نمی شود . یادت می آید که در بازی دیشب سگ بدون پا ماند و تو باختی ؟

— بلی . . . یادم می آید فقط سه تا یادداشت سعی می کنم .

— ولی طوطی واری نگو ، بلکه بخوان ، چون نمیتوانی طوطی واری بگویی . خوب بیا بازی . مصطفی کارت را بر می دارد . روی آن در هر کدام از شش خانه درست و واضح هجاهای ( ۱ ) این کلمات نوشته شده و بخطوطی تقسیم گردیده است . ( پا — یان ) ، ( پا — یاب ) ، ( یار — چه ) ( پا — پوش ) ، ( پا — به ) ، ( پاش — نه ) تمام کلمه ها در کارت ها یکسان شروع میشوند این بدان جهت درست شده که مصطفی کلمه را طوطی وار نکوید بلکه پیوسته هر کدام از آنها را بخواند بازی شروع میشود . کنجکاوی مصطفی را عذاب می دهد ، از پدر بزرگ می پرسد :

— پدر بزرگ اگر من درست بخوانم و کارت ها را درست بگذارم ، کدام کارت بدست خواهد آمد ؟

— باید شکل اسب بدست بیاید خوب شروع می کنیم .

آموزشی وجود دارد که به کودکان به امانت می دهند که به خانه ببرند. و بالاخره، خودپدر و مادر می توانند بازیهای ساده‌ای را برای تمرین خواندن و حساب کردن پیدا کنند.

بنابراین در انتخاب بازی که دختر یا پسر خوشش می آید، شرایطی را فراهم کنید که کودک با کمال میل تکلیف آموزشی یعنی خواندن و نوشتن را انجام دهد و شمامی توانید آنچه که او نمی داند توضیح دهید.

اگر برای بازی آن موضوعی را که در آن لحظه در کلاس می خوانند انتخاب کنند و معلوم شود که کودک هیچ قدری به انجام آن نیست باید مسئله بازی را آسان تر نمود. و اگر باز نتواند انجام دهد باز آسانتر کرد.

حال میخواهیم پدران و مادران را از اشتباههای ممکن بر حذر داریم.

فرض می کنیم شما بازی ای پیدا کردید که ابتدا مورد پسند کودکان بود. ولی بزودی از آن بازی خودداری کند. این در صورتی اتفاق می افتد که اغلب همان بازی را بکنند زیرا توجه به بازی موفقیت و برد به همراه دارد.

بنابراین، به محض اینکه مشاهده شود که کودک تکلیفش را انجام نمی دهد، شما فوراً پس از دوسه بازی موضوع را آسان تر سازید. علاوه بر آن، در بازی نباید تاثرات نامطبوع مربوط به اینکه او چیزی نمی داند در کودک ایجاد شود و الا تمام شادی بازی از بین خواهد رفت. بنابراین این هنگام بازی با فرزندتان مسلمان نباید کودک را سرزنش و یا شرم‌زده ساخت باین علت که او چیزی نمی داند.

میتوان اغلب با کودکان بازی کرد. در نتیجه بازی آموزشی، بسیاری از کودکان به خواندن و حساب کردن تسلط پیدامی کنند.



را پیدا کن، چنانراحتی؟ نکند از بازی می ترسی (الکی نگو، بخوان. کدام؟ این یا آن؟)

پدر بزرگ با قاطعیت می گوید:  
— زودتر بگو، والا من کارت رامی گذارم.

— من نمیدانم کدام. این یا آن؟  
— وقتی بتو بگویم. می خوانی و می فهمی.

— (پایه) نه این نیست... مصطفی به تته پته می افتند. — (پاپوش). آها. همین است! یعنی حالا فقط یک کلمه (پایه) باقی مانده است لوتو بازی این فایده را دارد که در آن می توان مشاهده کرد که کدام کلمه برای کودک سخت تر است، باید آن کلمه را بیشتر در بازی آورد. بهتر است از کلمه‌های ساده‌ای که از دو هجا "سیلاب" تشکیل یافته است آغاز کرد مثل (با - با) و (با - ران) و نظایر اینها. کلمات مشکل را به تدریج باید آورد کلماتی نظیر (آبادان)، (ما - شین)، (شا - داب).

به کمک پدر و مادر می توان از کتاب الفبا استفاده کرد. کلمه‌های ساده را باید جایگزین کلمات مشکل نمود.

برای کودکانی که کلمه‌های ساده را خوب می خوانند، ولی هنوز تسلط کافی برای روان خواندن ندارند، در بازی می توان کلمه‌های مرکبی را وارد کرد مثل (کارنامه)، (کارگر)، (کاردان).

کلمه‌ها را گاه‌گاهی باید تغییر داد تا کودک کلمه‌های تازه‌ای یاد بگیرد، جلوتر برود.

اگر نوآموز از بازی لوتو خوشش نیاید می توان بازی دیگری را ترتیب داد.

امروز در بازار انواع مختلف بازیهای آموزشی جهت کودکان وجود دارد. در بعضی از شهرها در خانه‌های پیشاهنگی مجموعه‌های بازیهای